

روزنامه سیاسی، اقتصادی، فرهنگی، اجتماعی، ورزشی صبح ایران

صاحب امتیاز و مدیرمسئول: مهدی رحمانیان

نشانی: تهران: میدان فاطمی، خیابان بهرام‌مصیری، پلاک ۲۲ • تلفن گویا: ۸۸۹۲۵۴۶۷ • شماره ۵۳۹۰ • ۸ صفحه ۸۸۹۲۵۴۶۷
تلفن آگهی‌ها: ۸۶۰۳۶۱۱۹ • تلفن امور آگهی‌های شهرستان‌ها: ۷-۴۴۰۱۹۸۰۵ • تلفن امور مشترکین: ۸۸۹۰۳۵۴۸
توزیع: موسسه مطبوعاتی نشرگستر امروز نوین • تلفن: ۰۹۳۸۵۲۲۱۰۱۶ • چاپ: صمیم

روزنامه شتر

چهارشنبه ۳۰ اردیبهشت ۱۴۰۵
۳ ذی‌الحجه ۱۴۴۷
• **۲۰ می ۲۰۲۶**
• **سال بیست‌ودوم**
• **شماره ۵۳۹۰**
• **۸ صفحه**
اذان ظهرتهران ۱۲:۰۱
اذان مغرب ۱۹:۲۷
اذان صبح فردا ۲:۱۵
• **طلوع آفتاب ۴:۵۵**

www.sharghdaily.com

aparat:tasvirshargh

Telegram:SharghDaily

youtube:sharghdaily

twitter:sharghdaily

instagram:sharghdaily1

خبر

جواد مجابی در بیمارستان بستری شد

روشنفکری آرام‌وآرامنی

شرق: جواد مجابی، نویسنده، شاعر، نقاش و منتقد

هنری، در بیمارستان ایرانمهر بستری شده است. به گفته ناستین مجابی، همسرش، دکتر مجابی روز ۱۲ اردیبهشت به بیمارستان اعزام شده و در ۱۴ اردیبهشت مورد جراحی قرار گرفته و اکنون در بیمارستان تحت نظر پزشکان بستری است. مجابی پیش از بستری‌شدن، کار بر «از دیار عدم» را به پایان رسانده و برای دریافت مجوز به وزارت ارشاد ارسال کرده بود که با حذقیات زیادی روبه‌رو شده و این‌گونه به نظر می‌رسد که با این حجم از حذقیات، مجابی انگیزه چندانی برای انتشار آن نداشته باشد. «دقتر صورتگری» و «شوخیانه‌ها» شامل یادداشت‌ها، شعرها و قصه‌های او، در دست انتشار است. جواد مجابی از نویسندگان نسل اول داستان‌نویسی ایران است که به نیکامی شهره است و محضر دلنشینی دارد. در روزین روزهای سخت همواره مجابی خوش‌بین به آینده و سرشار از عشق به وطن بود. فعالیت نویسنده‌گی او هم‌زمان با روزنامه‌نگاری‌اش آغاز شد و به همین دلیل با بزرگ‌ترین نویسندگان ایران ازجمله غلامحسین ساعدی، جلال آل‌احمد، احمد محمود، محمود دولت‌آبادی و دیگران نشست و برخاست داشته است. جواد مجابی، نویسنده‌ای پرکار، با‌انگیزه و فروتن است که به واسطه همین روحیه دوست‌داشتنی، بسیاری از نویسندگان جوان مورد تشویق او قرار گرفته‌اند. در کنار مجابی و بیان خاطراتش، می‌توان تاریخ جریان روشنفکری آن دوران را تجربه کرد. مجابی روشنفکری آرام و آرامنی است که در میان هم‌نسلان خود نیز از احترام ویژه‌ای برخوردار است. برای این نویسنده و هنرمند معاصر ایران آرزوی سلامتی داریم.

یادداشت

نقدی بر

کانون معلولان شهرداری تهران

محمد جودی

مدیرتشکل حامیان برابری معلولان

شاید نام «کانون افراد دارای معلولیت شهرداری تهران» به گوش بسیاری از شهروندان خورده باشد؛

نهادهی که بنا بوده در راستای حمایت از حقوق و مطالبات افراد دارای معلولیت در محلات و مناطق تهران فعالیت کند. اما آنچه امروز از سازوکار این کانون دیده می‌شود، بیش از آنکه نشانه‌ای از یک تشکل مؤثر و پاسخ‌گو باشد، تصویری نمایشی و کم‌اثر از یک ساختار اداری است. این کانون طی چند سال گذشته در بسیاری از محلات و مناطق شهر تشکیل شده اما در عمل، در شماری از این محلات بدون مدیر یا با مدیریتی ناپایدار و غیرشفاف باقی مانده است. فعالیت آن نیز غالباً به برگزاری سالانه یک یا چند جلسه با مدیران کانون محلات محدود شده؛ جلساتی که خروجی مشخص، قابل سنجش و مؤثری برای جامعه هدف به همراه نداشته‌اند. از سویی دیگر، در بسیاری از سراسراهای محلات نه اتاقی برای فعالیتی این‌کانون در نظر گرفته شده و نه حتی میز و امکانات اولیه‌ای برای انجام حداقلی‌ترین کارها. این در حالی است که انتظار می‌رود نهادهی سا‌عنوان حمایت از افراد دارای معلولیت، دست‌کم از ابتدایی‌ترین زیرساخت‌های اداری و اجرایی برخوردار باشد. نکته قابل تأمل دیگر آن است که مدیران این کانون نه حقوقی دریافت می‌کنند و نه حتی در مواردی حکم رسمی و مکتوبی برای مسئولیت آنان صادر می‌شود. این وضعیت، پرسش‌های جدی درباره نحوه انتصاب، حدود اختیارات و میزان پاسخ‌گویی مدیران این ساختار ایجاد می‌کند. چگونه می‌توان از نهادهی سخن گفت که مسئول دارد، اما مسئولیت و اختیار او روشن نیست؟ در پایان، راه‌اندازی وب‌سایتی با نشانی kmt22.ir نیز قرار بود نشانه‌ای از شفافیت، به‌روزرسانی و ارتباط با مخاطبان باشد؛ اما این سایت نه‌تنها به‌روزرسانی نمی‌شود، بلکه مدت‌هاست دسترسی به آن نیز امکان‌پذیر نیست، چنین وضعیتی این شبهه را تقویت می‌کند که این کانون بیش از آنکه کارکردی واقعی و مؤثر داشته باشد، صرفاً نامی بر روی کاغذ و ابزاری برای نمایش فعالیت است. اگر قرار است از حقوق افراد دارای معلولیت سخن گفته شود، نخستین گام، ایجاد ساختاری واقعی، شفاف، پاسخ‌گو و دارای اختیار است؛ نه نهادهی که در ظاهر وجود دارد اما در عمل، برای جامعه هدف خود کمترین اثر ملموسی بر جا نمی‌گذارد.

نوبت قبل در این مجال، اشاره‌هایی به پیشینه حضور ترامپ در سینما و نسبت‌هایی که می‌توان بین این سابقه و شخصیت او در جنگ علیه ایران جست‌وجو کرد، شد. اکنون در این نوبت، به فیلمی که درباره دوران جوانی ترامپ ساخته شده می‌پردازیم تا ببینیم شمایلیش در این اثر چه نسبتی با شمایل کنونی او درباره جنگ ۲۰روزه دارد.

دو سال قبل فیلمی به نام «کارآموز» (The Apprentice) به کارگردانی علی عباسی، فیلم‌ساز ایرانی-دانمارکی، در جشنواره فیلم کن به نمایش درآمد که داستانش درباره زندگی ترامپ در دهه‌های ۷۰ و ۸۰ میلادی در نیویورک است. عباسی بیشتر با فیلم «عنکبوت مقدس» شناخته شده است؛ فیلمی درباره قاتل معروف زنجیره‌ای که در مشهد زنان خیابانی را می‌کشد و سرانجام طی محاکمه‌ای جنجالی، حکم اعدامش صادر شد. دو سال بعد از این، عباسی در فیلم «کارآموز» سراغ یک شخصیت معروف جهانی رفت: ترامپ. نام فیلم هم اشاره به برنامه‌ای تلویزیونی با همین عنوان دارد که از سال ۲۰۰۴ از شبکه NBC پخش شد. در این برنامه، گروهی از تحصیل‌کردگان برای به‌دست‌آوردن شغلی با حقوق بالا در سازمان ترامپ، با هم رقابت می‌کردند. این برنامه، سکوی پرتابی برای ترامپ شد که تصویر او را از یک تاجر تحت فشار دهه ۹۰ به نماد قاطعیت و موفقیت قرن بیست‌ویکم بازسازی کرد. در هر قسمت از برنامه، شرکت‌کنندگان وظایفی مانند فروش محصولات، مدیریت رستوران یا طراحی کارزار تبلیغاتی را برعهده می‌گرفتند. در انتهای هر قسمت، ترامپ با لحنی تند عملکرد تیم بازنده را نقد می‌کرد. جمله «تو اخراجی!» که ترامپ در پایان هر قسمت به تیم بازنده می‌گفت، به یکی از مشهورترین کلیشه‌های تاریخ تلویزیون تبدیل شد؛ جمله‌ای که او بعدها کوشیده به عنوان علامت تجاری‌اش به نشانه نمادی از قدرت مطلق و تصمیم‌گیری قاطعش ثبت کند. به فیلم علی عباسی درباره ترامپ برگردیم. این فیلم بر سال‌های شکل‌گیری شخصیت ترامپ در دهه‌های ۷۰ و ۸۰ میلادی در نیویورک تمرکز دارد؛ دورانی که او سعی داشت از زیر سایه پدر خارج شود و امپراتوری املاک خود را بنا کند. هسته مرکزی فیلم، درباره رابطه پیچیده ترامپ جوان (با بازی سیاستین استن) با وکیل بدنام و پرنفوذ آن زمان، روی کوهن (با بازی جرمی استرانگ) است. کوهن سه اصل طلایی را به ترامپ می‌آموزد که بعدها به استراتژی همیشگی او تبدیل شد: ۱۰. همیشه حمله‌کن، ۲. هیچ چیز را نپذیر و همه چیز را انکار کن، ۳. همیشه ادعای پیروزی کن، حتی اگر شکست خوردی.»

این فیلم به دلیل لحن تندش علیه شخصیت ترامپ با واکنش شدید تیم حقوقی او مواجه شد. آنها کوشیدند جلوی اکران فیلم را در آمریکا بگیرند که البته نتوانستند (به عنوان یک مزاح می‌توان گفت چهبسا خصومت ترامپ با



جشن پیوند آسمانی زوج‌های جان‌فدای ایران، عصر دوشنبه ۲۸ اردیبهشت به مناسبت سالروز ازدواج حضرت علی (ع) و حضرت فاطمه‌الزهرا (س) در میدان امام حسین تهران برگزار شد. عکس: علیرضا معصومی، ایسا

از کارآموز دیروز تا جنگ‌افروز امروز



مهرداد دانش

ایران و دانمارک (بر سر گرینلند) ریشه در این فیلم داشته باشد که محصول دانمارک است و کارگردانش فردی ایرانی).

نگاه عباسی در این فیلم بر روان‌شناسی قدرت و نحوه شکل‌گیری شخصیت ترامپ از طریق سه رابطه کلیدی با آدم‌های نزدیکش یعنی پدر، وکیل و همسر متمرکز است. وکیل او کوهن، در این فیلم تداعی‌کننده یک میستوفلس (شیطان) است که با ترامپ جوان، بیمانی ناتوانسته می‌بندد و به او می‌آموزد چگونه برای پیروزی تجاری بر رقیب، قانون را دور بزند، بی‌رحم باشد و اخلاقیات را کنار بگذارد. در ابتدا، ترامپ با تحسین و ترس توأمان به کوهن نگاه می‌کند، اما دیری نمی‌پاید که شاگرد از استاد پیشی می‌گیرد و او را مثل یک دستمال آلوده کنار می‌گذارد. در رابطه با پدر، ترامپ را در گریز از سایه سنگین و تحقیرهای پدرش می‌بینیم. پدر ترامپ برای برادر بزرگ‌تر او اعتبار بیشتر قائل بود و دونالد را فرزند لوس و ضعیف می‌دید. از این رو در فیلم، پروژه‌های تجاری ترامپ به عنوان تلاشی برای اثبات خودش به پدری سخت‌گیر انگاشته شده است. حتی وقتی ترامپ به اوج ثروت می‌رسد، باز هم در درونش همان پسرک محتاج به تأیید پدر باقی مانده. هرچند در ظاهر نسبت به زوال عقل پدرش در سال‌های پیری بی‌تفاوت است.

در رابطه با همسر (ایوانا ترامپ)، با سیر نزولی تکان‌دهنده‌ای در روایت فیلم مواجهیم؛ از عشق و اشتیاق به سردی و خیانت. در ابتدا ترامپ شیفته هوش، جاه‌طلبی و ظاهر ایوانا می‌شود و هر دو شبیه یک تیم قدرت‌طلب می‌خواهند نیویورک را فتح کنند. اما به محض اینکه ایوانا شروع به ابراز هویت مستقل می‌کند یا در کارهای تجاری صاحب‌نظر می‌شود، ترامپ احساس خطر می‌کند و به تحقیر و طرد او می‌پردازد.

بدین‌ترتیب، روایت فیلم چنان می‌ماند که ترامپ بی‌رحمی را از کوهن، جاه‌طلبی را از پدرش و ابزاری‌دین انسان‌ها را در رابطه با ایوانا تمرین می‌کند و به کمال می‌رساند. حال اگر فیلم کارآموز را به عنوان یک پیش‌درآمد برای وضعیت فعلی ببینگاریم، نسبت میان تصویر ترامپ در فیلم و رفتارهای امروز او را می‌توان در چند لایه مرور کرد: نخست، اصل حمله به طرف مقابل بدون

نشانه‌خوانی

کلید همراهی با تغییرات نرخ حامل‌های انرژی چیست؟



پویانعمت‌اللهی

روزنامه‌نگار

۲۰ میلیون لیتر واردات صورت می‌گرفته که اکنون با توجه به وضعیت کشور باید از آن واردات صرف‌نظر کرد؛ یعنی باید مصرف در حد حداکثر توان تولید داخل باشد. این یک خواست منطقی است. در شرایطی که حداکثر قیمت بنزین معادل پنج هزار تومان است، حتی برای همین نیز میلیاردها دلار یارانه تخصصی می‌یابد. اکنون معاون بهینه‌سازی رئیس‌جمهور از مردم خواسته همه با هم پیمان ببندیم که مصرف انرژی کشور را بر مبنای همین حدود بین ۱۰۰ تا ۱۱۰ میلیون لیتر تنظیم کنیم. این به معنای تغییر در برخی سهمیه‌ها و قیمت‌های مربوط به آنهاست. با توجه به اینکه معاون اول رئیس‌جمهور گفته در این مرحله قرار نیست افزایشی در قیمت اعمال شود، بنابراین احتمالاً موضوع به سهمیه‌های بعد از نرخ اول مربوط می‌شود. به نظر می‌رسد قیمت یارانه‌ای ۱۵۰۰ تومان با همان سهمیه ماهانه بدون تغییر باقی خواهد ماند. اما برای نرخ سوم (یعنی پنج هزار تومان) باید فکری کرد. کشور در وضعیتی نیست که توان پرداخت یارانه‌ای به این حجم را داشته باشد. قیمت‌ها حتی از زمان جنگ تحمیلی اخیر نیز در کشورهای همسایه و خیلی دیگر از نقاط

۱ پلنگ

به‌تازگی فیلمی از یک پلنگ جوان ایرانی در منطقه حفاظت‌شده طارم سفلی توسط محیط‌بانان این منطقه و با همکاری سیدمهدی هاشمیان، عکاس و همیار محیط زیست، ثبت شده است. مشاهده این پلنگ می‌تواند نمادی از زیبایی طبیعت و همچنین نقش انسان‌ها در حفظ محیط زیست است. حدود ۳۶ درصد از این کودکان زیر شش سال هستند و بیشتر والدین بازداشت‌شده اهل مکزیک، گواتمالا و هندوراس بوده‌اند.

اتفاق‌خوانی

اصغر فرهادی و علاقه

به ساخت فیلم در ایران

یکی از جملاتی که اصغر فرهادی در جشنواره کن امسال گفت، بسیار مورد توجه قرار گرفت. او تأکید کرد: «با هر دیدگاهی، کشتن و قتل انسان‌ها برای من قابل پذیرش نیست؛ چه در جنگ، چه در خیابان». او به بهترین شکل از مردم خود در یکی از مهم‌ترین جشنواره‌های جهان یاد کرد؛ همان‌طور که در آن روز تلخ که ترامپ تهدید کرده بود ایران را به عصر حجر بازمی‌گرداند، اصغر فرهادی جزء معدود هنرمندان ایرانی بود که به او اعتراض و از جامعه جهانی درخواست کرد جلوی این رفتار دیوانه‌وار گرفته شود. امسال اصغر فرهادی بعد از پنج سال به عنوان کارگردان به جشنواره کن بازگشته است و او چهار سال پیش به عنوان یکی از اعضای هیئت داوران کن حضور داشت و زهرا امیرابراهیمی، بازیگر ایرانی، توانست نخل طلای بازیگری را دریافت کند. هنوز جشنواره کن به پایان نرسیده اما فیلم او، «داستان‌های موازی»، نتوانسته منتقدان را جذب کند. تجربه نشان داده فرهادی هر بار به کن رفته، دست خالی برنگشته. پنج سال پیش، «قهرمان» جایزه بزرگ کن را دریافت کرد. «همه می‌دانند» فیلم افتتاحیه جشنواره کن ۲۰۱۸ بود. شهاب حسینی برای «فروشنده» نخل طلای بهترین بازیگر مرد را دریافت کرد و کوتیار در فیلم «گذشته» جایزه بهترین بازیگر زن جشنواره را گرفت. اما بی‌تردید شرایط امسال بسیار متفاوت‌تر است. ایران دوباره مورد حمله آمریکا و اسرائیل قرار گرفته و اعتراضات‌دی‌ماه ۱۴۰۴ هنوز در ذهن مردم خورشود توجه است. بنابراین هر سخن و عملکرد «اصغر فرهادی» از منظری متفاوت مورد توجه قرار می‌گیرد؛ با اینکه او این بار نماینده کشور دیگری است. ایرنا به مجموعه‌ای از سخنان او با رسانه‌های مختلف پرداخته است؛ سخنانی که وجه مشترک آنها وطن و علاقه به فیلم‌سازی در وطن است. فرهادی در گفت‌وگویی که با ایندی‌وایر داشته، در پاسخ به اینکه ساخت فیلم به زبان دیگر چه حسی برای شما داشته و آیا ترجیح نمی‌دهید به زبان خودتان فیلم بسازید، گفت: «البته ترجیح می‌دهم در کشور خودم، به زبان خودم و در جامعه‌ای که با آن آشنا هستم فیلم بسازم، اما این به آن معنا نیست که کنجکاوی برای تجربه‌های جدید و چالش تلاش برای ساخت فیلم در بستری کمتر آشنا را دوست نداشته باشم. اما همان‌طور که قبلاً هم گفتم، تا وقتی مجبور باشم برای کار در ایران مجوز بگیرم و نتوانم آزادانه کار کنم، دیگر در ایران فیلم نخواهم ساخت.»

او درباره تولید فیلم خارج از ایران با بازیگران و عوامل ایرانی که در خارج از ایران زندگی می‌کنند نیز گفت: «اگر بخواهید مکان‌ها را در ترکیه یا گرجستان بازسازی کنید، هزینه آن بالا می‌رود. اما مشکلی ندارم حتی اگر بخواهم یک فیلم کاملاً ایرانی، خارج از ایران بسازم.» او به خبرنگار فرانسوی در پاسخ به اینکه چگونه می‌توانید وقتی کشور مادری‌تان، ایران، درگیر جنگ است کار کنید و چطور می‌توانید آرامش لازم و کافی برای خلق‌کردن را پیدا کنید، گفت: «من برای کار به خارج می‌روم، اما به محض اینکه کارم تمام می‌شود، احساس می‌کنم نیاز مبرمی به بازگشت به خانه و بودن با خانواده‌ام در کشورم دارم.»

فرهادی درباره ضرورت خلق از میان آشفته‌گی توضیح داد: «فکر نمی‌کنم آرامش پیش‌نیاز خلق‌کردن باشد. برعکس، احساس می‌کنم خلأقت از یک حالت آشفته‌گی، یک حالت اضطراب سرچشمه می‌گیرد. این لزوماً چیز خوبی نیست، من از آن خوشحال نیستم، اما این احساس نیاز به نوشتن در مورد تمام آشفته‌گی‌هایی است که شما را احاطه کرده است، تمام رنج‌هایی که شما را به سمت خلق‌کردن، تلاش برای مشارکت در تلاش برای بهبود جهان سوق می‌دهد». او در گفت‌وگو با رادیو بین‌المللی فرانسه گفت: «قرار نبود این تعداد چهره شناخته‌شده در فیلم باشند؛ این یک هدف یا برنامه‌ریزی قبلی نبود و به‌مرور در پروسه کسب‌تنت (انتخاب بازیگر) اتفاق افتاد. آن چیزی که همیشه برابم در انتخاب بازیگر، چه در ایران و چه بیرون از ایران مهم است، این است که تماشاگر در سریع‌ترین زمان ممکن بتواند احساس آشنایی با بازیگر پیدا کند.»

جهان افزایش داشته است، می‌توان افزایش قیمت را برای نرخ سوم قبول کرد مشروط بر اینکه اقدامات دولت و اساساً نهادهای حاکمیتی در مورد قاچاق فرآورده شکل جدی‌تر و با‌دارنده‌تری بگیرد. در همایشی که در سال گذشته بدین منظور با حضور مقامات ارشد پلیس کشور به میزبانی وزارت نفت برگزار شد، همگان در جریان تلاش‌های دستگاه‌های انتظامی و قضائی قرار گرفتند. آمارهای مقامات پلیس واقعاً هولناک بود. گزارش‌های تکان‌دهنده‌ای از تجهیزات و فعالیت‌های قاچاقچیان منتشر می‌شد که حاکی از سازمان‌یافتگی آنان بود. اخباری که از دستگاه قضای کشور می‌آمد نیز گواهی بر بیگیری موضوع قاچاق سوخت از سرچشمه‌ها بود. اخیراً نیز خبرهای امیدوارکننده‌ای در این زمینه به رسانه‌ها راه یافته است. گویا استان هرمزگان به عنوان یکی از کانون‌های قاچاق سوخت زیر ضرب پلیس و دستگاه قضائی رفته است. می‌توان اقدامات دستگاه‌های مولتی (از قبیل پلیس، وزارت نفت، قوه قضائیه و تشکیلات امنیتی و اطلاعاتی کشور) را به اطلاع مردم رساند تا این امیدواری نزد آنها زنده شود. از سویی دیگر باید اقداماتی نظیر کاهش در واردات خودرو و همچنین خودروهای برقی نیز به شکل جدی‌تری دنبال شود. همگان به یاد دارند تعریف نرخ سوم (یعنی بنزین پنج هزار تومانی) در کمال آرامش و با همراهی عامه مردم صورت گرفت و هیچ اعتراضی بابت آن در سطح جامعه اتفاق نیفتاد. اکنون نیز چنانچه مردم از اهتمام مجموعه حاکمیتی کشور (یعنی هم دولت و هم سایر دستگاه‌ها و ارگان‌ها) اطمینان خاطر داشته باشند، قطعاً با هرگونه طرح اصلاحی در مورد بنزین همراه خواهند شد. در غیر این صورت ایجاد محدودیت بدون ایجاد چشم‌انداز و افق رو به بهبود یا ارائه صدها صفحه محاسبه هزینه و فایده به‌هیچ‌عنوان مورد قبول عامه مردم نخواهد بود.

۸۰۰۰

کارمند

بلومبرگ؛ پلتفرم متا اعلام کرده بود برای بهبود کارایی و «جبران» سایر سرمایه‌گذاری‌های خود در هوش مصنوعی، ۱۰ درصد از کارمندان را تقریباً هشت هزار نفر را تعدیل خواهد کرد.
حالا هم‌زمان با اخراج هزاران کارمند، هفت هزار کارمند را به مشاغل جدید مرتبط با هوش مصنوعی گماشته است. کارمندان به یکی از چندین گروه جدید و کوچک‌تر متمرکز بر محصولات مرتبط با هوش مصنوعی منتقل خواهند شد.